

دکتر باقرپور کاشانی

علل و عوامل اشتباه عقلا

علل و عوامل اشتباه عقلا

نکته دومی که این آقایان حسّیون بیان می‌کنند می‌گویند نگاه شما می‌گویی عقل میزان است، ما می‌گوییم همین عقل اشتباه می‌کند، بین عقلا، بین فلاسفه اشتباه بوده، خب وقتی این عقل اشتباه می‌کند شما چرا به این عقل بها می‌دهی؟

وقتی بنا باشد اشتباه بکند، اطلاعاتی هم که به این عقل می‌دهی بد قضاوت می‌کند، اشتباه می‌کند، پس نمی‌شود به این عقل هم اعتمادی کرد. در این نکته ما اشکال می‌گیریم به آن‌ها، در اینکه بین عقلا اشتباه هست، تردیدی نیست، یعنی بالاخره توی جمعیتی که همه عاقل هستند می‌بینی نظرات فرق می‌کند، بالاخره یا همه نظرات باطل است یا یکیش درسته دیگر! نمی‌شود دوتا نظری که مخالف هم باشد این‌ها درست باشد.

دو دوتا یا چهارتاست یا پنج‌تا دیگر، می‌گوید دو دوتا چهارتا، پنج‌تا شش‌تا هفت‌تا؛ بالاخره یا همه‌اش باطل است یا یکیش درست است، نمی‌شود دو دوتا چهارتا باشد، دو دوتا پنج‌تا هم باشد، نمی‌شود چنین چیزی.

عقلاً اشتباه می‌کنند اما عرض ما این است که عقل اشتباه نمی‌کند، حالا توضیح می‌دهم چطور.

عقل، اصطلاحاً می‌گویند حجّیتش ذاتی هست، میزان بودنش ذاتی هست؛ اعتبار دهنده چیز دیگری به عقل نیست.

یعنی آقا ما چیز دیگری به غیر عقل نداریم، چی می‌خواهد عقل را اثبات بکند، اثبات بکند که این حجّیت دارد اعتبار بهش بدهد.

همه چیز را با عقل داریم می‌سنجیم، چه چیزی می‌خواهد به عقل اعتبار بدهد؟

حالا شاید یک نفر بگوید به وحی، ما هنوز به وحی هم نرسیدیم. بعدش هم، یک نفر ممکن است بگوید آقا وحی به عقل اعتبار می‌دهد، مگر شما با عقل به این وحی نرسیدی؟ اگر با این عقل به وحی رسیدی، عقل را به عنوان میزان قرار دادی، خودش اعتبار خودش را داشته، نیاز نبوده وحی به این اعتبار بدهد، به خاطر این که تو اصلاً با همین عقل [به وحی رسیدی]، اگر اعتبار نداشته که آن وحی هم که رسیدی مورد قبول نیست، پس این حجّیتش ذاتی است.

حالا این را از کجا می‌فهمیم؟

می‌گوید شیء خارجی باید باشد؟ نه! خودش دریافت می‌کند، یک چیز وجدانی هست، یک چیز درونی هست، ما این را می‌یابیم، ما می‌فهمیم عقل هر عاقلی، اجتماع نقیضین را محال می‌داند، عقل هر عاقلی ارتفاع نقیضین را محال می‌داند، عقل هر عاقلی اجتماع ضدین را محال می‌داند، خب این‌که حالا همین چندتا را برای ما مثال زدی، بقیه‌اش چی؟

عرض ما این است که، دو مسئله، دو ساحت است؛ یک وقت عقل، قضاوت نسبت به اموری که حس کرده می‌کند، خب با توجه به اطلاعاتی که می‌دهند، اگر اطلاعات ناقص باشد نمی‌تواند حکم دقیقی هم ارائه بدهد. این‌جا مشکل چیست؟ مشکل به همان مقدار اطلاعاتیه که دادی هست، عقل به همان میزان کار خودش را کرده.

اگر اطلاعات دقیق بدی، درست هم دقیق حکم می‌کند، ولی اگر شما اطلاعات را اشتباه دادید، شما می‌بینید که صورت مسئله را اشتباه دادید، بعد می‌گوید اوه دیدی به جواب درست نرسیده؟! خب صورت مسئله را اشتباه دادی! اگر صورت مسئله را درست می‌دادی درست هم جواب می‌گرفتی.

عاقل اشتباه می‌کند، بله؛ عاقل که اشتباه می‌کند دلایل مختلف ممکن است داشته باشد.

ممکنه اصلاً عاقل این طوری باشد یکسری مسائلی را با عقل بخواد پیش
ببرد، یکسری مسائل با حس و یکسری مسائل هم بخواد با نفسش
پیش برود، خوشش می آید این طوری باشد؛ نفس، هوای نفس، خیلی
قضاوت‌هایی که می‌کند، هوای نفس دخیل باشد. یکی از جهات دیگری که
عقلاً اشتباه می‌کنند، عقلاً گاهی تعصب دارند، تعصب باعث می‌شود عقل
کار خودش را درست انجام ندهد. تعصب نسبت به یک شخص داری،
تعصب نسبت به یک مکتب داری، تعصب نسبت به یک نحلّه داری، تعصب
نسبت به یک جمعیتی داری؛ خب وقتی تعصب داشته باشی هیچ وقت
نمی‌آیی این را ارزیابی بکنی! خب تعصب باعث می‌شود طرف از عقل
درست استفاده نکند.

تقلید کورکورانه داری، یا مثلاً فرض بکنید که حب دنیا داری، دنیا را لحاظ
می‌کنی، هوای نفس را لحاظ می‌کنی، لجوجی؛ ببین خیلی از کسانی که
شما فکر می‌کنی، کسانی که مثلاً زمان پیامبر بودند، نزدیکان پیامبر، دور
و بر پیامبر صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ، این‌ها مثلاً فرض بکنید آدم‌های
بی‌عقلی بودند؟ آدم‌های بی‌حسی بودند؟

آدم‌هایی بودن که... نه! لجوج بوده، نمی‌خواستند بپذیرد، نفسش چیز
دیگری، نخواستند که عقلش و به کار بگذارد، عقلش را گذاشته کنار.

تاحالا شده خیلی پیش آمده، ما گاهی اوقات عقل و به کار می‌بریم برای توجیه‌المسائل بودن، عقل و به کار می‌بریم برای اینکه کارای زشت خودمان را توجیه کنیم؛ عقل در جهت خودش استفاده نمی‌شود، اگر عقل در جهت خودش استفاده بشود؛ عقل مثل یک ترازو هست، یک کیلو سیب‌زمینی هم بگذاری یک‌کیلو نشان می‌دهد، یک کیلو گوجه‌فرنگی هم بگذاری یک‌کیلو، یک‌کیلو چغندر هم بگذاری یک‌کیلو نشان می‌دهد؛ بحث سر این است که کار میزانه، میزان کارش همین است. اما عقلاً اشتباه می‌کنند، به دلایل مختلف عرض کردم؛ تعصب، تقلید کورکورانه، جهل مرکب، جهل بسیط، گاهی اوقات یک چیزی جاهله نسبت به یک امری، یک وقت جهل مرکب دارد، نمی‌داند که نمی‌داند؛ این بدتر از جهل بسیط است. در جهل مرکب، یقین هم خوابیده! مثلاً فرض بکنید که یک نفر، یک نفر که عطسه می‌کند می‌گویند صبر آمد، صبر آمد؛ صبر یعنی چی؟ یعنی کار را ولش کن!

خب چی؟ می‌گوید آقا این یعنی یک پیامی هست، یعنی آن قدر برایش یقینی می‌شود که اساساً چرا یک عطسه، یک بادی توی بینی من افتاد، مثلاً من بخواهم صبر بکنم یا این کار را ولش کنم؛

چه استناد عقلی دارد؟

چه استناد شرعی دارد؟

اما می‌بینی که در همین جامعه ما، جامعه شیعی ما، اعتقاد دارند به صبر؛
یک عطسه که می‌کنند می‌گویند نرویم نرویم! بده!

این جهل مرکب است. جهل بسیط، حب دنیا، هواپرستی، لجاجت، امور
مختلفی هست به عنوان موانع تصحیح عقاید ماست.

موانعی که نمی‌گذارد عقل درست در جای خودش، کار خودش و انجام
بدهد.

عقل را بایکوت می‌کند، عقل را کنار می‌زند، از عقل درست استفاده
نمی‌شود، از عقل نادرست استفاده می‌شود. عُقلا اشتباه می‌کنند؛ عُقلا
اشتباه می‌کنند، این‌ها مشکل از عُقلاست، مشکل از عقل نیست.

حالا ممکنه بگی آقا عقل، شما عقل همین چندتا حکم را در نظر گرفتی؟
اجتماع ضدّین و نقیضین و فلان و این‌ها؟

می‌گی بله بله، همین‌ها را اگر ما داشته باشیم، با همین‌ها می‌توانیم
قوی‌ترین استدلال‌ها را در مسائل مختلف، حتی در مسئله الهیات، حتی در
مسئله اثبات وجود خدا می‌توانیم استفاده بکنیم.



@aparat.com/be
_sooye_zohoor



v_bagherpour_
kashani



@seratehagh1



besouyezohour



bagherpour-
kashani.com/



@serat12k



youtube.
com/c/seratehagh



https:
//naakhodaa.ir